

ناتانیل کلمن

لوفور برای معماران

ترجمه: سیده برزگر

www.ketab.ir



سرشناسه	کوکمن، ناتانل، ۱۹۶۱ - م.
عنوان و نام پدیدآور	لوفور برای معماران / ناتانل کوکمن ترجمه‌ی سبیده برزرگر
مشخصات نشر	تهران : کتاب فکر نو، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۱۶۶ ص. : مشورا : ۵۱۶۸۵/۱۴ - ۱۳۹۶
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۲۴-۴
وضعیت فهرست نویسی	فهرست نشده
موضوع	لوفور، عمارتی، ۱۹۰۱ - ۱۹۵۱ م
موضوع	معماری و فلسفه
موضوع	معماری و جامعه
موضوع	Architecture and society
زده بندی شکره	۱۳۹۶، ۱۹۰۱، NA۲۵
بندی دهوی	۷۲۰(۱)
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۱۲۳۵



۱۳۹۶

لوفور برای معماران

ترجمه‌ی: سبیده برزرگر

مدیر تولید	آرش حیدریان
طراحی جلد	آرش حیدریان
چاپ اول	۱۳۹۶
لیتوگرافی / چاپ	ولیعصر
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۱۷۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۲۴-۴

فروشگاه و مرکز پخش کتاب

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۶
کتاب فکر نو ۶۶۴۱۶۱۰۰

فروشگاه اینترنتی فکرنو؛ خریدی کاملاً متفاوت را تجربه کنید

● Fekrenobook.ir

● Fekrenobook

● Fekreno

فهرست

۷ لوفور برای معماران
۱۱ پیشگفتار ویراستار مجموعه
۱۳ مقدمه
۱۸ چيستايي مسئله معماری
۲۷ لوفور و معماری
۳۲ معماری متکی بر اندیشه خود

// فصل ۱: آرمان شهر و رمانتیسیم جدید_ ۳۵

۳۵ آرمان شهر و انتخابه چشم انداز ممکن
۳۸ رمانتیب و آرمان شهر
۴۴ تولید و انحطاط آرمان شهرها
۵۳ نقد زندگی روزمره
۵۵ آیا هیچ راهی نیست؟ لوفور و آرمان شهرش را برگزینیم؟
۶۰ روی دیگر نگاه لوفور به آرمان شهر
۶۵ آرمان گرایی دیالکتیکی
۶۷ آرمان شهرهای تجربی و آرمان شهرهای معاصر
۷۶ دیدگاه آرمانی لوفور

// فصل دوم: تولید فضا_ ۷۷

۷۸ مسئله تولید فضا
۸۱ از فضا تا مکان
۸۳ غلبه بر منطق دکارتی
۸۷ باز نمایی‌ها در روابط تولید
۸۸ نقاهت امر اجتماعی
۹۵ تکرار سرتاسری
۹۹ رمزهای فضایی
۱۰۷ کنش فضایی، باز نمایی‌های فضا و فضای باز نمایی شده
۱۱۴ برابر نهاد نظام‌ها

فهرست

// فصل سوم: ضرب آهنگ کاوی و بعد زمان_ ۱۲۱

- ضرب آهنگ کاوی و فضاهای متفاوت ۱۲۶
- فروپاشی دوگانگی ۱۳۰
- مؤلف: های ضرب آهنگ کاوی ۱۳۴
- تجربی بودن ضرب آهنگ ها ۱۳۸
- پاریس و شهرهای مدیترانه ای ۱۴۲
- بیم از زبان سمان ۱۵۴
- کاوی، گزضرب سنگ و معماران ۱۵۸

// فصل چهارم: نثر: ه یاسی ؟_ ۱۶۳

// مطالعات بیشتر_ ۱۶۷

// منابع_ ۱۷۱

www.ketaboo.ir

مقدمه

معماران با فضای به‌واقع، اجتماعی سروکار دارند. شاید به همین دلیل، ارجاع دادن آن به ادبیات نظری خویش، بهتر باشد. شوربختانه، هر تعریفی از معماری، خود مستلزم تجزیه و تحلیل اولیه و توضیح مفهوم فضاست (لوفور، ۱۹۹۱ [۱۹۷۴]: ۱۰).

در حال حاضر، انگلیسی‌زبانان شناخت به نسبت خوبی از آثری لوفور (۱۹۹۹-۱۹۰۱) به دست آورده‌اند و این شناخت با مدیون ترجمه و تفسیر آثار او، به‌ویژه، شاهکار تولید فضا (۱۹۷۴) هستند که در سال ۱۹۹۱ ترجمه شد. با این حال، تأثیرگذاری لوفور بر تولید واقعی فضا، بر معماری و شهرت، کمتر مورد توجه بوده است. به‌رغم آنکه آثار او در بیشتر مراکز آموزشی معماری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری تدریس می‌شود؛ اما پیام لوفور در زمینه اجرا دست‌نیاسنی باقی مانده است؛ زیرا معرفی آثار او به ذهن آگاه انگلیسی‌زبانان، تحت سلطه دو جنبه اصلی و چشم‌برانگیز در اندیشه اوست که با اصلاحات و نوسازی ارتباط دارد: یکی، رئالیسم شهری در غرب، آرمان‌شهرگرایی^۲ که در

۱- تعاریف متعددی از رئالیسم وجود دارد؛ اما ارائه تعریفی مشخص از آن دشوار است. هانی، رئالیسم را آمیخته با احساس و عاطفه می‌داند و به هر چیزی تعبیر می‌شود که برانگیزاننده احساس است. گاه، آن را عشق مفرط به قرون وسطی و گاه، به گفته روسو، بازگشت به طبیعت معرفی می‌کند. «رفتارهایی که در رئالیسم مبتنی بر آرای فیلسوفان رمانتیک آلمان، یعنی فیخته، شلینگ و شگل است که در فلسفه و تحلیل فرانسه نیز، رسوخ کرد. محور معرفت‌شناسی در فلسفه فیخته، من است. فیخته با مطرح کردن دو ماهیت من و غیر، من را در تقابل با غیر قرار می‌دهد. در رئالیسم، من و ذهن هنرمند سرچشمه خلق اثر هنری است. رئالیسم با تکیه بر مفاهیم ذهنی، بیش از آنکه در حوزه هنرهای بصری نمایان شود، با سهولت بیشتری در موسیقی و ادبیات جلوه می‌کند. ماهیت رئالیسم وابسته به نیروهای منطقی‌گریز و شهودی در خلاقیت هنری است. این نیروها عبارت‌اند از: الهام، اشراق، استعداد فطری، شکوه آسمانی یا سرچشمه‌های ناپیدای ضمیر ناخودآگاه که در حقیقت، چیزی جز راهکاری رمانتیک برای واقعیت از دست‌رفته نیست.

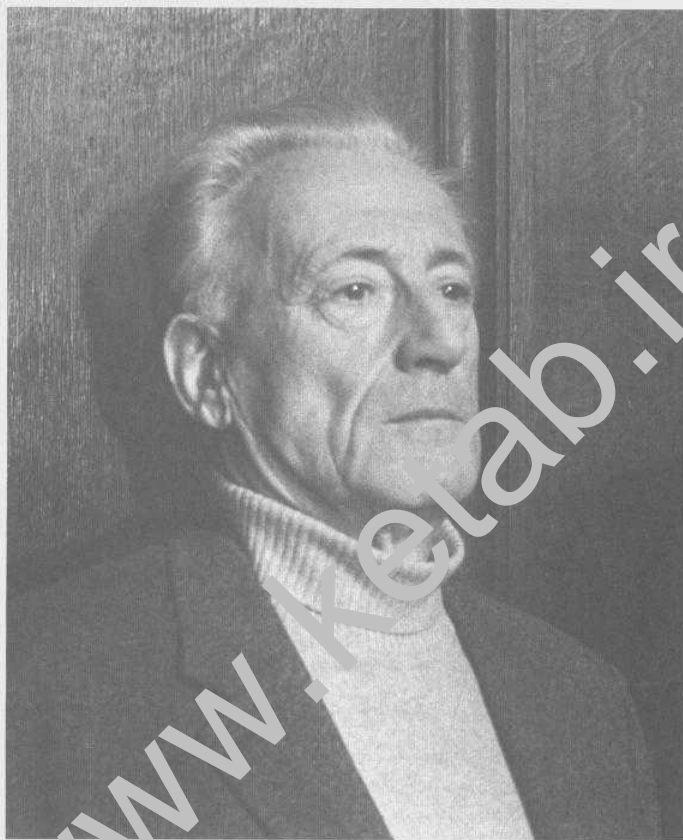
۲- اوتوپیا یا آرمان‌شهر (Utopia) که برای نخستین بار، توماس مور در سال ۱۵۱۶ م. در کتابی به همین نام از آن یاد کرد. پیش‌تر، این واژه در آرای فیلسوفان یونان باستان (افلاطون و ارسطو) وجود داشته و در فلسفه اسلامی از آن، به مدینه فاضله یاد شده است. آرمان‌شهر نمادی از واقعیت آرمانی و بدون کاستی یا حقیقتی دست‌نیافتنی است. اوتوپیا Utopia واژه‌ای است مرکب از OUL (او) یونانی به معنای ننی و واژه TOPOS (توپوس) به معنای مکان که به بیانی دیگر، به معنای ناممکن است.

عین تقابل با مدرنیته^۱، خواهان ترقی‌اند. این موضوع به‌ویژه، در تعریف او از تنش میان عدالت اجتماعی و نوگرایی و بیشتر در ارتباط با کار، جامعه و فضا نمایان می‌شود.

در مقابل، نا آسودگی معماران معاصر نسبت به رمانتیسم و آرمان‌شهر‌گرایی باعث می‌شود تا تبدیل آرای لوفور از حوزه نظری به راهکارهایی عملی دشوار شود. این موضوع بیش از همه در تلاش‌های متأثر از لوفور - اما به‌دوراز رمانتیسم آرمان‌شهر‌گرایی دیده می‌شود - که برای درک و تغییر معماری و شهرسازی انجام شده‌اند. با وجود آنکه آرمان‌شهر‌گرایی و رمانتیسم جایی در اندیشه امروز ندارند؛ اما لوفور روش‌هایی عملی با تکیه بر آن‌ها مطرح می‌سازد. او در عین پس زدن تریبون شهر‌گرایی و رمانتیسم، تأکید می‌کند که هیچ جایگزینی وجود ندارد تا بتوان آن را برای از بین بردن گسست میان سیاست و اجتماع به کار بست. خواستن امور محال ممکن نیست؛ در نهایت، به شکست بینجامد؛ اما به‌هر روی، چنین کاری نخستین گام به سوی دیگر ممکن‌هاست. برای اندیشیدن درباره لوفور باید به آرمان‌شهر بیندیسیم و زمانی که با لوفور به اندیشه می‌نشینیم، اندیشیدن به آرمان‌شهر به معنای فرود گرفتن با بنیادی‌ترین اندیشه‌ها درباره نگرش او به شهر و ساکنان آن است.

در مقابل، نا آسودگی معماران معاصر نسبت به رمانتیسم و آرمان‌شهر‌گرایی باعث می‌شود تا تبدیل آرای لوفور از حوزه نظری به راهکارهایی عملی دشوار شود.

۱- مدرنیته دوره‌ای تاریخی از سده پانزدهم میلادی تا سده بیستم است که طی آن، جنبش‌های متعدد فرهنگی و عقلانی روی داد. در زمان آغاز مدرنیته، بحث‌های فراوانی وجود دارد؛ عده‌ای آغاز مدرنیته را همزمان با رنسانس و عصر روشنگری دانسته‌اند؛ برخی دیگر، بر انقلاب فرانسه تأکید دارند و عده‌ای نیز، به ایندالیسم آلمانی اشاره می‌کنند. از ویژگی‌های مدرنیته عبارت‌اند از: فردیت اعتلا یافته، نقد سنت، تبدیل شدن انسان به سوژه، ارج نهادن بر پیشرفت علمی، جدایی دین از دولت، خرافه زدایی، تأکید بر عقل ابزاری (تسلط انسان بر طبیعت با به‌کارگیری علم و فن‌آوری)، تأکید بر عقل انتقادی (تأکید بر سوژه خودمختار و شناسنده خود و جهان).



شکل شماره ۱- لوفور، آمستردام، هلند، نهم مارس ۱۹۷۱

این کتاب بی‌آنکه خود را از آرمان‌شهرگرایی و رمانتیسم لوفور یا از تمرکز بر آرای مارکس^۱ خجل بداند، به بخش کوچکی از آثار لوفور در حوزه نظریه و عمل معماری (و

۱- کارل هاینریش مارکس (Karl Heinrich Marx) (۱۸۱۸-۱۸۸۳): متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان، اقتصاددان آلمانی و از تأثیرگذارترین اندیشمندان تمام اعصار است. او به همراه فردریش انگلس، مانیفست کمونیست را که مشهورترین رساله تاریخ جنبش سوسیالیستی است، منتشر کرده است. مارکس نویسنده کتاب سرمایه است که مهم‌ترین کتاب این جنبش است. این آثار به همراه سایر تألیفات او و انگلس، بنیان و جوهره اصلی تفکر مارکسیسم را تشکیل می‌دهند. به عقیده مارکس، تاریخ همه جوامع تاکنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. این جمله در خط اول مانیفست کمونیست آمده است. لوفور اندیشه مارکس را با تأکید بر مفهوم فضا گسترده کرد.

همچنین، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری) می‌پردازد. حتی در دورانی که وفاق نئولیبرالیسم^۱ مبنی بر تضعیف دولت، خصوصی‌سازی و تقویت بازارهای آزاد است و آن‌ها را تضمین‌کنندگان اصلی آزادی با کمک رشد اقتصادی می‌پندارد؛ هدف اصلی این کتاب، تأکید بر فرصت‌هایی عملی و ارزشمندی است که آثار لوفور برای معماران، دانشجویان معماری و همچنین، برای دانشجویان و متصدیان برنامه‌ریزی و طراحی شهری به همراه دارد.

موضوع اصلی هر یک از فصل‌هایی که در ادامه می‌آیند، متمرکز بر لوفور و اندیشه‌های او است؛ یعنی، تولید فضا، بازنمایی‌های فضا، معماری در عمل، زندگی روزمره، شهر، ضرب‌آهنگ‌های پیوند زنده‌ی زمان (تاریخ و فرآیندهای اجتماعی) و فضا (معماری، استر معماری) که اندیشه غرب تمایل به گسستن آن‌ها از یکدیگر دارد. از این است که ویکرد در فروزان کردن آن چیزی نهفته است که در آثار لوفور، بسیار پیش از استوار است و این کار دست‌کم، با نمایش ارتباط همیشگی و راستین میان ایده‌های او و خیال‌پردازی برای ساختن شهرها و ساختمان‌هایی که سزاوار ساکنانش باشد، انجام می‌شود. در این راستا، روش به‌کارگرفته شده در این کتاب، بر تفسیر انتقادی و تأویلی^۲ از اندیشه لوفور استوار است و هدف آن،

۱- نئولیبرالیسم مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی است که در طول بیست و پنج سال گذشته رواج یافته است. لیبرالیسم کلاسیک (کشورهای انگلوساکسون) به آرای آدام فرگوسن، آدام اسمیت و همچنین، دیوید هیوم و جان استوارت میل بازمی‌گردد. آنان به دنبال نظامی مبتنی بر حقوق طبیعی برای برداشتن آزادی‌خواهانه خود بودند. شایستگی اخلاقی برابر برای افراد، آزادی و حقوق فردی، دولت محدود و مالکیت خصوصی از اصول کلی لیبرالیسم به شمار می‌روند؛ اما آنچه اندیشه نئولیبرالیسم را از لیبرالیسم کلاسیک جدا می‌سازد، تأیید بی‌سابقه‌ی بی‌سابقه‌ی فردی و آزادی‌ها و حقوق آن به بازار و استحاله فرد به مصرف‌کننده است. در این راستا، جایگزینی آزادی به فرد فروگاسته می‌شود که در گستره بازار جهانی در پی به حداکثر رساندن سود شخصی خود و دستیابی به مطلوب‌ترین کالای مصرفی‌اند. توجیه نئولیبرالیسم این است که سرانجام، کسب سود فردی منجر به منافع جمع می‌شود. همه تأکید نئولیبرالیسم بر این است که مکانیسم بازار باید سرنوشت بشر را اداره کند. اقتصاد باید قواعد خود را بر جامعه تحکیم کند و خلاف این موضوع، صادق نیست. برای اطلاعات بیشتر در این باره، خواندن کتاب تاریخ مختصر نئولیبرالیسم نوشته دیوید هاروی یا ترجمه محمود عبدالله‌زاده پیشنهاد می‌شود. این کتاب در نشر اختران به چاپ رسیده است.

۲- مطالعه قواعد صحیح تفسیر متن را هرمنوتیک (Hermeneutics) یا علم تأویل می‌گویند. هرمنوتیک دانشی است که به فرایند فهم اثر می‌پردازد و چگونگی دریافت معنا از پدیده‌های گوناگون هستی‌ای از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌کند. هدف از هرمنوتیک، کشف پیامها، نشانه‌ها و معانی یک متن یا پدیده است. هرمنوتیک به مطالعه اصول تعبیر و تفسیر متون، بویژه متون ادبی و دینی و حقوقی می‌پردازد. در برابر واژه هرمنوتیک، گاه از کلمه تفسیر یا تأویل استفاده می‌شود که این دو واژه، معنای دقیق هرمنوتیک را نمی‌رسانند. تفاوت تفسیر و هرمنوتیک همانند تفاوت زبان با دستور زبان است.

دریافت پدیدارشناسانه^۱ و مبتنی بر ساخت دوباره -چه در عمل و چه در فهم- است که ذهن و هویت را می‌سازد و بر ارزش کیفی فهم تأکید دارد. همچنین، شگفت آنکه به عمل‌گرایی باور دارد و در پی کاوش‌هایی از جنس تجربه فردی است که به‌ناچار، درون فضاهای اجتماعی رخ می‌دهد و همراه با پیشنهادهایی است که متکی بر ضرورت اصلاحات معماری، سیاسی و اجتماعی در اقدام جمعی است که از راه تجربه و مشاهده موقعیت‌های واقعی به‌دست‌آمده است. روش ترکیبی که در این کتاب به کار گرفته شده است، تأویل، پدیدارشناسی و عمل‌گرایی^۲ را با یکدیگر پیوند می‌دهد. نظریه را به عمل، فضا را به زمان و شکل را به محتوا مرتبط می‌سازد و این کار را همان‌طور که لوفور باور داشت- با پنهان شدن در نگاه ساده زندگی روزمره و با تصیف چگونگی خیال‌پردازی و تولید جایگزین‌های واقعی انجام می‌دهد.

هدف بیشتر کتاب‌هایی که درباره لوفور نوشته شده، توضیح نظری آرای او، برای فهم بهتر آن‌ها است. هدف دیگر این کتاب، ترجمه ایده‌های لوفور به ظرفیت‌های ممکن برای اجرا است (که به باور من، او نیز، خود با این کار موافق است). چالش دوگانه در کارهایی از این قبیل، ارائه روشن اندیشه‌های لوفور برای معماران و همچنین، نمایش آن‌هاست به دیگر سخن، نمایش امکان‌پذیری و چگونه اجرایی شدن نظریه‌های لوفور است. این‌حال، مهم‌ترین چالش، دستیابی به ترجمه پیشنهادی [تبدیل نظریه به عمل] بدون خسرو کاستن

۱- پدیدارشناسی (Phenomenology) جنبشی فلسفی بود که در ابتدای سده بیستم م. با آرای دکارت و هوسرل آغاز شد. پدیدارشناسی طرز فکر، روش، سبک و تجربه‌ای باز و همواره نوشونده است که هر بار، تنهایی متفاوت دارد. پدیدارشناسی آگاهی باواسطه و بی‌واسطه را از یکدیگر جدا می‌داند و به مطالعه آگاهی انسان از پدیدارهای ذهنی که بدون واسطه در ذهن وی ظاهر می‌شوند، می‌پردازد. هوسرل اصطلاح پدیدارشناسی را برای روش خاص و اصول و مبادی فلسفی خود به کار می‌برد.

۲- پراگماتیسم یا عمل‌گرایی (Pragmatism) به معنی فلسفه اصالت عمل است. پراگماتیسم نخستین بار در آمریکا پدید آمد و در تفکر این سرزمین تأثیر بسیاری بر جای گذاشت. این فلسفه در اواخر قرن نوزدهم با متفکرانی همانند چارلز سندرس پیرس، ویلیام جیمز و سپس، جان دیویی به ظهور رسید. پراگماتیسم روشی در فلسفه است که با اعتراف به غیرممکن بودن اثبات بعضی مسائل، آن‌ها را با توجه به کاربردشان در زندگی انسان می‌پذیرد. پراگماتیسم یعنی اینکه درباره هر نظریه یا آموزه‌ای باید بر پایه نتایجی که از آن به دست می‌آید، داوری کرد. به نظر پراگماتیست‌ها، اگر عقیده‌ای به نتیجه خوب و کارآمد برای انسان بینجامد، باید آن را حقیقی قلمداد کرد و حقیقت چیزی نیست که مستقل و مجرد از انسان وجود داشته باشد.

از آرای لوفور به معیارهایی صریح است؛ به بیانی دیگر، نشان دادن چگونگی تأثیر احتمالی اندیشه لوفور بر شکل‌گیری و ویژگی‌های عمل مهم‌تر از تبدیل ساده آن‌ها به سازوکاری برای عمل یا تولید است.

چیستایی مسئله معماری

تلاش برای فهم معماری از نو، با کمک آثار لوفور، در واقع، تلاش برای ایجاد موقعیتی ناقص است. لوفور معمار نبود، بلکه جامعه‌شناس و فیلسوف بود؛ بنابراین، توسل به او معنی است نمونه‌ای صرف از معماری موجود و حتی، خارج از حوزه معماری به نظر برسد. خروج از حوزه معماری را می‌توان پذیرفت؛ فقط به شرط آنکه این باور برای ما ایجاد شود که معماری، نوع خود، داشته‌های پژوهشی یا تحصیلی نیست. باین حال، ایجاد پرسش‌هایی درباره معماری، جستجوی پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها، از درون حوزه معماری (در نوع خود) امیدبخش‌ترین مسیر را ارائه می‌دهد که برای خیال‌پردازی دوباره، بازاندیشیدن و ارزیابی دوباره معماری (معماری) به کار می‌آید. چنانچه فقط ادبیات نظری معماری مدنظر باشد؛ نمی‌توان به هم‌پوشانی‌هایی که در زمینه اجرا به ذهن می‌رسند، پاسخ‌هایی از درون حوزه معماری ارائه داد. در واقع، به‌مندی از کمک اندیشمندانی که خارج از حوزه معماری‌اند، بیشترین مزیت را برای معماران دارد؛ بدیشمندانی که مانعی به نام عادت‌های حرفه‌ای بر سر راه آنان نیست و از این رو، می‌توانند درباره گزینش‌های محال (از منظر معماری) خیال‌پردازی کنند.

مسلم است که سنت‌های فکری در معماری که از سن‌های پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته‌اند، ظرفیت‌های محدودی برای پاسخ به مسئله شهردانش (و البته در دورانی بسیار پیش‌تر ریشه دوانده‌اند). به این ترتیب، مخصصه‌ای که معماری امروز - از نیمه دوم قرن بیستم و همچنین، ابتدای قرن بیست و یک - بدان دچار شده است و از سلطه سرمایه‌داری متأخر ناشی می‌شود؛ اکنون پاسخ به آن، از ظرفیت حوزه معماری خارج شده است. افرادی همچون، ارنست بلوخ^۱ فیلسوف آلمانی

۱- Ernst Bloch، فیلسوف مارکسیست آلمانی است که درباره امید، حرف مارکس را تکرار می‌کند. او عقیده دارد که وظیفه اصلی فلسفه، نه فقط تفسیر، بلکه تغییر جهان است. فلسفه باید راه خروج از بحران را به انسان مدرن

(۱۹۷۷-۱۸۸۵)، مانفردو تافوری^۱ تاریخ‌نگار ایتالیایی در حوزه معماری (۱۹۹۴-۱۹۳۵) و فردریک جیمسون^۲ نظریه‌پرداز آمریکایی در امور سیاسی (۱۹۳۴) و حتی پیش‌تر، پیشگویی‌های دیگران در قرن نوزدهم، همانند جان راسکین^۳ انگلیسی (۱۹۰۰-۱۸۹۰) و هم‌عصر او، طراح و مصلح اجتماعی، ویلیام موریس^۴ (۱۸۹۶-۱۸۳۴) به سردرگمی معماری اشاره کرده‌اند و این هشدارها همه را - به‌جز معمارانی که درگیر سرمایه‌داری و فضای شهری بوده‌اند - مشغول خود کرده بود. این فضای تهی، بنا به گفته بلوخ، معماری (و همچنین، شهرسازی) راستین را غیرممکن می‌سازد (بلوخ، ۱۹۸۸ [۱۹۵۹]: ۱۹۰).

به‌یقین، عمال در یوغ این اسارت، توان اندکی برای رویارویی با ازخودبیگانگی‌ای دارد که دیگر بار، همچون، اجباری مکرر بر محیط مصنوع نقش بسته است. در این استیلا، سازمان بر عدم ارتباط فرهنگی خود، به‌تفصیل توضیح داده‌اند؛ که با ویژگی‌هایی همانند پوچی اجتماعی، یا فقدان کلی هدف

نشان دهد تا سرنوشت خود را در دست گیرد و با ازخودبیگانگی سیخستگی و بی‌ریشگی مبارزه نماید. او در کتاب *احل امید* بیان می‌کند که در دوران کودکی، تنها وض رویاها را امید بود و بس. امید به آینده، امید به یک انویبا که هنوز وجود ندارد؛ ولی امکان به وجود آمدن و رسیدن به آن هست. لغت انویبا در در معنای مثبت آن به کار می‌برد و معتقد است آنچه می‌گوید، انویبایی مشخص است نه انویبایی انتزاعی. به سخن دیگر، او به رویا پروری در معنی منفی کلمه اعتقاد نداشت. امید از دیدگاه ارنست بلوخ، در معنای ساده آن، یعنی حالت عاطفی موجود در زندگی روزانه، نیست. او عینک اولیه اندیشه‌ای بود که آن را جریان کره مارکس می‌نامید. وی همراه گئورگ لوکاچ، جامعه‌ای را به نقد می‌کشد که در دامان خود فاشیسم را پرورش داد. بلوخ تأثیر بسیاری بر آدرنو، هورکهایمر و مکتب فرانکفورت گذاشت.

۱- Manfredo Tafuri، معمار، تاریخ‌نویس، نظریه‌پرداز و منتقد ایتالیایی بود. به‌عین معنی، مهم‌ترین تاریخ‌نویس معماری در نیم‌قرن گذشته بوده است. مانفردو تافوری دانش‌اموخته معماری بود؛ او در معنای معماری را رها کرد تا عمرش را صرف مطالعه تاریخ معماری کند. نارسندنی تافوری از کسانی که تاریخ را به ابزاری برای توجه برنامه‌های سیاسی معاصر بدل کرده بودند موجب شد تا او تصمیم بگیرد خودش را وقف تاریخ کند.

۲- Fredric Jameson، منتقد و نظریه‌پرداز آمریکایی که بیشتر به دلیل تحلیل جریان‌های فرهنگی معاصر معروف است. از آثار برجسته جیمسون می‌توان به *پست‌مدرنیسم یا منطق فرهنگی سرمایه‌گذاری و ناخودآگاه سیاسی* اشاره کرد.

۳- John Ruskin، منتقد هنر انگلیس در دوران ویکتوریا، طراح، نقاش، متفکر اجتماعی برجسته و فردی نیکوکار بود. او درباره موضوع‌های متنوعی همانند زمین‌شناسی، معماری، اسطوره‌شناسی، پرندشناسی، ادبیات، آموزش و پرورش، گیاه‌شناسی و اقتصاد سیاسی نوشته است. سبک نوشتن او و فرم‌های ادبی نوشته‌هایش به همان اندازه متنوع بودند. او در تمام نوشته‌های خود بر ارتباط میان طبیعت، هنر و جامعه تأکید کرد. معروف‌ترین اثر راسکین کتاب *هفت مشعل معماری* است که در سال ۱۸۴۸ م. انتشار یافت. وی در این کتاب سخن از معماری می‌گوید و معتقد است معماری از این هفت مشعل برخوردار است: حقیقت، ایثار، قدرت، زیبایی، زندگی، خاطره و اطاعت.

۴- William Morris، شاعر، هنرمند و انقلابی سوسیالیست که مشارکت بسیاری در تشکیل اتحادیه سوسیالیست داشت. موریس، هنرمندی بود که پس از فهم و مشاهده فقدان خلاقیت و آزادی هنری در نظام کار سرمایه‌داری، به کمونیستی انقلابی بدل شد. نخستین داستان خیال‌پردازانه او *تازه‌های تاکجا* بود. کتاب دیگرش، *جایی در انتهای جهان* در دنیایی کاملاً خیالی رخ می‌دهد.

اخلاقی و رای کارایی فن‌سالارانه، تقلیل‌گرایی اقتصادی یا زیاده‌روی در بدعت همراه می‌شد. از قضا، خاستگاه اصلی برای عدم ارتباط در معماری (و نظریه‌های آن) از رد آرمان‌شهر ناشی می‌شود؛ آرمان‌شهرهایی که بیشتر پیروان راستین معماری، آن‌ها را نخستین گام برای پاسخ به شکست‌های معماری و شهرسازی مدرن می‌دانستند. به‌رغم دیدگاه عمومی منفی درباره آرمان‌شهرها، بازنگری ارزش‌ها و توانایی‌های آن‌ها نشان می‌دهد که آرمان‌شهرها ابزاری حیاتی برای هرگونه تلاش برای ارائه جایگزین‌هایی برای وضع موجودند. در این راستا، ارزشی که لوفور برای آرمان‌شهرها قائل است سبب می‌شود که او از جمله مهم‌ترین اندیشمندان قرن بیستم در بحث‌های مربوط به حوزه معماری و شهرسازی باشد.

به‌رغم دیدگاه عمومی منفی درباره آرمان‌شهرها، بازنگری ارزش‌ها و توانایی‌های آن‌ها نشان می‌دهد که آرمان‌شهرها ابزاری حیاتی برای هرگونه تلاش در ارائه جایگزین‌هایی برای وضع موجودند.

ظرفیت محدود آرمان‌شهر برای عمل معماری و البته، رانده شدن آن از این حوزه، سبب شد تا امروزه، بن‌بست نظری در معماری پدید آید. از دهه ۱۹۶۰ م.، گسترش نظریه‌های ضد آرمان‌شهر گرایی منجر به محدودیت شهرسازی در معماری شد و بدین ترتیب، یافتن پاسخ‌هایی منسجم در ارتباط با وظیفه اخلاقی معماری دشوار گشت. بهترین راه‌حل این است که همچون لوفور، افق نگاه تاریخی خود را گسترش دهیم. در این راستا، *لئون باتیستا آلبرتینی*^۱ (۱۴۷۲-۱۴۰۴)، معمار و تئریه‌پرداز عصر

۱- Leon Battista Alberti، نقاش، هنرمند و معمار برجسته ایتالیایی در عصر رنسانس بود که به دلیل آثار مختلف خود در حوزه ادبیات و معماری، شهره گشت. او در اثری به نام *ده کتاب در باب معماری*، بر این عقیده است که معمار صنعتگر نیست و البته، صنعتگری فقط ابزاری در دستان معمار است. معمار کسی است که فکر و انرژی خود را به کار می‌گیرد تا شکل‌هایی را خلق کند که در ساختمان به تجلی می‌رسد. آلبرتینی بر اساس عملکرد، گونه‌های مختلف بناها را به سه دسته تقسیم می‌کند که یادآور هرم نیازهای مازلو است: یکی، تأمین نیاز در ساختمان‌هایی که فقط به نیازهای اولیه انسان پاسخ می‌دهند؛ دوم، آسایش در ساختمان‌هایی که به منظوری مشخص به کار می‌روند؛ و سوم، لذت در ساختمان‌هایی که برای لذت، خوشی و تفریح ساخته می‌شوند.

رسانس، راهنمای خوبی می‌تواند باشد. آثار او دربارهٔ هنر ساختمان‌سازی، آن قدر که برای کارفرمایان و حامیان این هنر نگاشته شده است؛ کم‌تر رو به سوی جامعهٔ معماران دارد. هدف اصلی او ارائهٔ الگویی برای عمل و اجرای درست معماری است تا الهام‌بخش هر دو گروه معماران و کارفرمایان - در بستر اجتماعی و معماری شهر- باشد. آلبرتی همچون لوفور، طیف گسترده‌ای از آموختنی‌ها در ارتباط با موضوع‌های مدنظر خود فراهم آورده است.

باین‌حال، مبتنی بر به‌آرای دیگر نظریه‌پردازان و معماران معاصر اشاره کرد تا درک بهتری از ارتباط نظری لوفور با معماری به دست آوریم. دو تن از آنان عبارت‌اند از: آلدو ون‌آیک^۱ (۱۹۹۰-۱۹۱۰) و هرمان هرتزبرگر^۲ (۱۹۳۲)، دو معمار هلندی؛ به‌ویژه، ون‌آیک که می‌توان از او به‌عنوان نمادین‌ترین کاربست آرای لوفور برای معماران بهره برد.

رویکرد انسان‌شناسانهٔ ون‌آیک نسبت به معماری و همچنین، ایدهٔ او دربارهٔ نسبی بودن مسائل در معماری، شباهت‌هایی با رویکرد انسان‌شناسی لوفور دارد؛ به‌ویژه، در ارتباط با این موضوع که چگونه افق‌های محدود پژوهش و عمل در معماری را می‌توان گسترش داد. ون‌آیک همچون لوفور، اهمیت بسزایی به بُعد اجتماعی و زندگی روزمره -سان مکان‌های^۳ بالقوه- قائل است و البته، این را واقعیت‌هایی می‌داند که منجر به محدود شدن فرصت‌ها می‌شوند. همچنین، هر دو معمار بر رنباط این عامل‌ها با تولید فضا تأکید دارند. آشکارترین وجه اشتراک میان لوفور و ون‌آیک را می‌توان در *کنستانت نیوون‌هایز*^۴ (۲۰۰۵-۱۹۲۰)، هنرمند و معمار هلندی دید که، از این‌جاسو، در

۱- Aldo van Eyck، معمار هلندی که پیش‌تر عضو کنگرهٔ سیام بود و بعدها از مؤسسان گروه ده شد. او از غلبهٔ عملکردگرایی و از دست رفتن اصالت در معماری مدرن پس از جنگ انتقاد می‌کرد.

۲- Herman Hertzberger، معمار هلندی که همراه با ون‌آیک بر جنبش ساختارگرایی در هلند در دههٔ ۱۹۶۰ م. تأثیر بسزایی گذاشت. به نظر او، نقش معماران ارائهٔ راهکارهایی تمام‌عیار نیست، بلکه آنان باید چارچوبی فضایی بسازند تا در نهایت، مردم وظیفهٔ پر کردن این چارچوب را برعهده گیرند.

3- Locus (Loc)i

۴- Constant Nieuwenhuys، معمار، نقاش، مجسمه‌ساز، طراح، نویسنده و موسیقی‌دان هلندی که در سال ۱۹۴۸ م. گروه کبری را با تعدادی از دوستانش ایجاد کرد. هدف اصلی این گروه مخالفت با آن شکلی از زیبایی‌شناسی بود که به دست طبقهٔ بورژوازی رایج شده بود. آشنایی نیوون‌هایز با ون‌آیک به همین گروه کبری بازمی‌گردد.

پروژه بی‌باکانه خود به نام *بابل جدید*، با ون‌ایک همکاری داشت و از سویی دیگر، آشنایی با لوفور را مدیون ارتباط با گروه هنرمندان کبر* و موقعیت *باوران*^۲ بود. این عده گروهی از انقلابیون اجتماعی و متشکل از هنرمندان و روشنفکرانی بودند که طی سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۲ م. فعالیت داشتند و برای مدتی نیز، لوفور با آنان همکاری داشت. بدین ترتیب، اندیشه لوفور به شکلی واقعی (و البته، در منحصربه‌فردترین شکل ممکن) با اجرای معماری قرین می‌شود (بیتر، وبر و درکسن، ۲۰۰۹؛ ستانگ، ۱۱).

همچون ایده‌های آرمان‌شهری، آرای لوفور نیز، در معماری تأثیر بسزایی دارد. لوفور صبورانه در انتظار است تا تخیل اجتماعی را به معماری بی‌تفاوت نسبت به سیاست بازگرداند. او از سبک‌های مختلف و ادیان حال، به‌ضرورت می‌کوشد تا نقل دقیقی از روایت‌های واقعی سرمایه‌داری داشته باشد. افزودن بر این، آرمان‌گرایی لوفور گزینه‌های واقعی‌تر و امکان‌پذیرتری را نسبت به دیگر راه‌ها ارائه می‌دهد: برای نمونه، می‌توان به موقعیت *باوران* (که پیش‌تر از آن‌ها یاد شد) اشاره کرد؛ یا محدودیت‌های فضایی مارکسیسم (که مهم‌ترین نظام جایگزین در برابر سرمایه‌داری به شمار می‌آمد)؛ حتی نظریه‌های سیاسی برآمده از کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱) که لوفور با آن‌ها بیشترین پیوند را دارد؛ یا بدبینی‌های ژان بودربار* (۱۹۲۷-۲۰۰۷) نظریه‌پرداز فرانسوی پست‌مدرن (که رساله دکتریش با راهنمایی لوفور انجام شد). دیدگاه‌های تافوری (که در رشته تاریخ‌نگاری مارکسیستی تحصیل کرده بود و به نتایج بسیار متنوع‌تری نسبت به

۱- New Babylon، الگویی از شهر ضد سرمایه‌داری که نیوون‌هایز در فاصله سال‌ها ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵ م. طراحی کرد. آتری لوفور در توضیح این پروژه، عقیده داشت که نام *بابل جدید*، نامی جنجال‌برانگیز است؛ زیرا در سنت پروتستان، این نام یادآور شیطان است. *بابل جدید* بناست که یادآوری نیکی باشد و خود را از شهری نفرین‌شده به شهر آینده تبدیل کند. طرح *بابل جدید* در مجموعه‌ای از نقشه‌ها، نوشته‌ها، طرح‌ها و نقاشی‌ها گردآوری شد.

۲- COBRA group، گروهی که نیوون‌هایز در سال ۱۹۴۸ م. به همراه گروهی از دوستان خود تشکیل داد. حروف اصلی این گروه، از نام زادگاه‌های تشکیل‌دهندگان این گروه، گرفته شده بود: کپنهاگ، بروکسل، آمستردام.

3- Situationists

۴- Jean Baudrillard، جامعه‌شناس، فیلسوف، عکاس و نظریه‌پرداز پسا‌مدرنیته و پسا‌ساختارگرایی است. بودربار به دلیل ایده‌هایی همچون، وانموده (simulation) و *ایرواقعیت* یا *واقعیت حاد* (reality-hyper) شهرت یافت. بودربار معتقد است جهان پسا‌مدرن جهان وانموده است و به همین دلیل دیزنی لند و تلویزیون واقعیت‌های آمریکا را تشکیل می‌دهند. از نظر بودربار، ما وارد جهان فراواقعی شده‌ایم. به سخن دیگر، واقعیت تولید می‌شود، ولی از قدرت ما خارج است.

لوفور دست‌یافت) و با دیدگاه‌های تنگنا هراسان^۱ دربارهٔ سرمایه‌داری جهانی (نظام آشکار و تمامیت‌خواه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که اکنون حاکم است).

ضد کنش‌های^۲ پیشنهادی لوفور که در ادامه توضیح داده می‌شود، جایگزین‌هایی برای پیشنهادهای معمولی و پیش‌پاافتاده یا به دیگر سخن، معماری نئوآوانگارد^۳ است. در همین راستا، معماری ون‌آیک نسبت به پروژه نیوون‌هایز، یعنی بابل جدید، ضد فرم اندیشهٔ لوفور دربارهٔ فضا، زمان و شهر به شمار می‌آید. نوشته‌های لوفور و معماری (تئوریهٔ) ون‌آیک شامل مفاهیم بنیادی‌تری دربارهٔ ساخت شهرها و ساختمان‌ها است؛ اما گزینه‌های پیشنهادی هر دو، همچنان، کمتر مورد توجه بوده است.



شکل شماره ۲- ضد کنش‌ها: مرکز نگهداری از کودکان بن سرریست، آمستردام، معمار: آلدو ون‌آیک (۱۹۶۰-۱۹۵۵)

۱- Claustrophobia، هراس از محیط‌های بسته

2- Counter-Practices

۳- neo-avant-garde، آوانگارد یا پیشرو، به معنای استفاده از پیشروترین اسلوب‌ها یا مضامین آثار هنری است. استفاده کرده‌اند. پیروان آوانگارد را می‌توان پایه‌گذاران جنبش مدرن دانست. نئوآوانگارد در فاصلهٔ دههٔ ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی مطرح شد.

البته آن دسته از لوفور درباره شهرها که به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند؛ ایده‌های اصلی او را (همانند حق بر شهرا، تولید فضا و نقد زندگی روزمره) به خوبی، انتقال نمی‌دهند؛ اما در نهایت، گسترش آرای مارکسیستی و آرمان شهر گرایی اوست که جنبه‌های بی‌شماری از ایده‌های لوفور را به یکدیگر پیوند می‌زند. با این حال، یکی از مهم‌ترین هدف‌های این کتاب کمک به درک این مطلب است که چگونه نظریه‌های لوفور درباره معماری و شهرسازی معاصر را می‌توان به عمل نزدیک‌تر کرد و در نتیجه، درک بهتر اندیشه او کمک نمود؛ بنابراین، در این کتاب، تلاش بر این است تا از طریق همراهی با آرای لوفور، به نظریه‌ای برای عمل دست‌یابیم؛ نظریه‌ای که از آن چنان انسجام و برخوردار باشد که خیال‌پردازی درباره وابستگی متقابل میان شکل معماری و فرآیندهای اجتماعی را در جامعه ممکن سازد. باید توجه داشت که تطبیق شکل معماری فرآیندهای اجتماعی با خواسته‌های افراد و گروه‌ها، هسته‌های اصلی مسئله شهر و ساختمان‌هایش را تشکیل می‌دهد (هاروی، ۲۰۰۰). تأکید بر کاربست نظریه‌های لوفور در عمل، بی‌شک، توجه به ارتباط موضوعی آن‌ها با معماری و شهرسازی - جنبه‌های مهمی از نتایج تحقیقات نظری او را آشکار می‌سازد.

در این کتاب، تلاش بر این است تا از طریق همراهی با آرای لوفور، به نظریه‌ای برای عمل دست‌یابیم؛ نظریه‌ای که از آن چنان انسجامی برخوردار باشد که، خیال‌پردازی درباره وابستگی متقابل میان شکل معماری و فرآیندهای اجتماعی را در جامعه ممکن سازد. باید توجه داشت که تطبیق شکل معماری و فرآیندهای اجتماعی با خواسته‌های افراد و گروه‌ها، هسته‌های اصلی مسئله شهر و ساختمان‌هایش را تشکیل می‌دهد.